



زبان و ادبیات فارسی

(سیریمال طباطبایی نژاد)

۹-

الگوی هجایی «اسم و دوست» ← (صامت + مصوت + صامت + صامت)
الگوی هجایی «آسوده و نامه‌ی» ← (صامت + مصوت + صامت + مصوت + مصوت)
الگوی هجایی «خوردن و داستان» ← (صامت + مصوت + صامت) (صامت + مصوت + صامت)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: فقط «داوری» با «آسوده» هماهنگی دارد.
گزینه‌ی «۳»: فقط «بست» با «اسم» هماهنگی دارد (توجه: کُره: ۵ واج دارد).
گزینه‌ی «۴»: واژه‌های «درد» با «اسم» و «گفتار» با «خوردن» هماهنگی دارند.
(زبان فارسی ۳، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

(مسن اصغری)

۱۰-

در بیت گزینه‌ی «۲» جمله‌ی وابسته وجود ندارد؛ زیرا همه‌ی جملات ساده و هم‌پایه هستند.

نکته‌ی مهم درسی

«او» حرف ربط جمله‌ی مرکب نمی‌سازد؛ «چو» به معنای «مانند» ادات تشبیه و حرف اضافه است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «که» در مصراع اول و «چرا که» در مصراع دوم حرف ربط وابسته‌ساز هستند و جمله‌ی وابسته می‌سازد: «که با تو بگویم غم ملالت دل» و «چرا که بی تو ندارم...» جمله‌های وابسته
گزینه‌ی «۲»: «چو» در مصراع دوم حرف ربط وابسته‌ساز است و جمله‌ی وابسته می‌سازد: چو کمان ابروی یارم و سمه باز کشید: جمله‌ی وابسته
گزینه‌ی «۴»: «گر» و «که» در مصراع اول و دوم حرف ربط وابسته‌ساز هستند و جمله‌های وابسته می‌سازند: «اگر بهای وصل تو جان بود» و «که جنس خوب مبصر به هر چه دید» جمله‌های وابسته
(زبان فارسی ۳، صفحه‌ی ۱۳)

(سیریمال طباطبایی نژاد)

۱۱-

بی‌علاقگی ← بی + علاقه + بی / کشتارگاه ← کشت + ار + گاه / ناهمانگی ← نا + هم + آهنگ + ی / کوزه‌گری ← کوزه + گر + ی

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: نمکدان ← نمک + دان / توموند ← تن + اومند (مند) / جشنواره ← جشن + واره / خواندنی ← ند + خواند + ن + ی
گزینه‌ی «۳»: شاگردانه ← شاگرد + انه / خوردنده ← خور + نده / ستایشگری ← ستای + ش + گر + ی / لابلالی‌گری ← لابلالی + گری
گزینه‌ی «۴»: چوبینه ← چوب + ینه / هنرمندانه ← هنر + مند + انه / رهایش ← ره + ا + یش / آلوده ← آلوده + ه
(زبان فارسی ۳، صفحه‌های ۱۱۴ تا ۱۱۶ و ۱۱۳)

(مریم شمیرانی)

۱۲-

«برمی‌خیزیم، خواهیم ایستاد، دراز کشیدماند» ← افعال ناگذر که جملات دوجزئی می‌سازند.
(-) کهنه نمی‌شوند. (سه‌جزئی با مسند) / گل‌های سپید خشک‌ش باز شده است (سه‌جزئی با مسند) / محصول نهایی‌شان سمّ مؤثری است. (سه‌جزئی با مسند)
(زبان فارسی ۳، صفحه‌ی ۶۲)

(مرتضی منشاری - اردبیل)

۱۳-

در متن ارائه‌شده، چهار مورد وابسته‌ی پسین نیست: ۱- «تر» در دلگیرتر ۲- «ی» در «گوارایی»، یای مصدری است و وابسته‌ی پسین محسوب نمی‌شود. ۳- «بلند»: چون همّت پادشاهان بلند بود) ← «بلند» نقش مسندی دارد. ۴- فراخ: مسند
(زبان فارسی ۳، صفحه‌ی ۹۵)

زبان و ادبیات فارسی

۱-

(سیریمال طباطبایی نژاد)
رفع کردن: شکایت کردن، دادخواهی کردن / امل: امید، آرزو / تک و پوز: سر و وضع، قیافه‌ی ظاهری / ستوه: ملول، درمانده / عنود: ستیزه‌کار
(ادبیات فارسی ۲، صفحه‌های ۱۱، ۳۲ و فهرست واژگان)

۲-

(مریم شمیرانی)
جنیبت: یدک، جنیبت‌کش
(ادبیات فارسی ۳، فهرست واژگان)

۳-

(سعید کنج‌پوش زمانی)
نحل: زنبور عسل
(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، فهرست واژگان)

۴-

(مرتضی منشاری - اردبیل)
املای درست واژه‌ها عبارت‌اند از:
۱- غربت ← قربت / ۲- ثواب ← صواب / ۳- سلاح ← صلاح
(ادبیات فارسی ۳، صفحه‌های ۲۲ و ۱۰۸)

۵-

(سیریمال طباطبایی نژاد)
تشریح گزینه‌های دیگر
املای صحیح کلمات در گزینه‌ها عبارت‌اند از:

گزینه‌ی «۱»: سطور کتاب / گزینه‌ی «۲»: لمحہ و لحظه، ثقبه و سوراخ / گزینه‌ی «۳»: قلیه‌ی حلوا، مستلزم تأمل
(زبان فارسی ۳، صفحه‌ی ۷۴)

۶-

(سعید کنج‌پوش زمانی)
«مرآة البلدان، خیرات‌الحسان، مطلع‌الشمس، منتظم ناصری، المآثر و الآثار»: محمدحسن خان صنیع‌الدوله / «سراب، سیاه‌مشق، نخستین نغمه‌ها، شبگیر»: هوشنگ ابتهاج / «از بودن و سرودن، از زبان برگ، شیخوایی، بوی جوی مولیان، در کوچه‌ی باغ‌های نیشابور، مثل درخت در شب باران، صور خیال در شعر فارسی، موسیقی شعر و تصحیح و توضیح اسرارالتوحید»: محمدرضا شفیعی کدکنی / «جام جهان‌بین، صفیر سیمرغ، آواها و ایماها، روزها»: محمّدعلی اسلامی ندوشن
(ادبیات فارسی ۲، صفحه‌های ۱۰۴، ۱۳۰، ۱۳۸ و ۱۵۱)

۷-

(کاظم کاظمی)
با ظهور سنایی، در آغاز قرن ششم طریقت عرفان، موضوع عمده‌ی غزل، قصیده و مثنوی‌های شاعران شد.
(ادبیات فارسی ۳، صفحه‌ی ۱۴۸)

۸-

(مسن اصغری)
«شرح احوال و آثار رودکی»: از استاد سعید نفیسی / «آینه‌های ناگهان»: اثر «قیصر امین‌پور» / «ادبیات و تعهد در اسلام»: اثر محمدرضا حکیمی / «ترجمه‌ی تاریخ طبری» معروف به «تاریخ بلعمی» از «بوعلی محمد بلعمی» است.
(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌های ۴۵، ۵۵، ۹۱، ۱۰۷، ۱۲۵ و ۱۳۸)

۲۲- (کافم کافمی)

در ابیات مرتبط به ناپایداری و بی‌وفایی دنیا اشاره شده است، اما بیت گزینیه‌ی «۱» مثل «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود» را تداعی می‌کند.
(اربیات فارسی ۳، مشابه صفحه‌ی ۱۴۶)

۲۳- (سعید کنج‌بش‌زمانی)

در ابیات گزینیه‌های «۱»، «۲» و «۳» به این مفهوم اشاره شده که در راه رسیدن به حقیقت عشق باید سختی‌ها را تحمل کرد، درحالی‌که مفهوم کلی گزینیه‌ی «۴» چنین است: «اوضاع روزگار، به مردم آگاه آزار می‌رساند».
(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۲۵)

۲۴- (مریم شمیرانی)

در بیت صورت سؤال و گزینیه‌ی «۱»، «۳» و «۴»، شاعر بر این اصل است که لیلی را باید به چشم مجنون دید تا حال او را درک کرد، در حالی‌که در گزینیه‌ی «۲» شاعر معتقد است که هر کس که عشق لیلی را ندارد، او مجنون و دیوانه است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینیه‌ی «۱»: معشوق من در نظر همه جلوه می‌کند، اما آن‌چه را که من می‌بینم دیگران نمی‌بینند.

گزینیه‌ی «۲»: مدعی که از محبوب من عیب‌جویی می‌کند، باید بداند که من لیلی خویش را به چشم مجنونی دیده‌ام.

گزینیه‌ی «۳»: عاقلان می‌دانند که درک اسرار لیلی که فقط بر مجنون آشکار است، برای آنان ممکن نیست.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۳۶)

۲۵- (ممسن اصغری)

در بیت صورت سؤال، سعدی خود را مسبب گرفتارشدن در دام عشق معشوق می‌داند و مفهوم مقابل آن، یعنی این‌که معشوق موجب گرفتارشدن عاشق باشد، در بیت گزینیه‌ی «۱» بیان شده است.

(زبان و ادبیات فارسی پیش‌دانشگاهی، صفحه‌ی ۳۳)

زبان عربی

۲۶- (امیر طریقی)

«أ: آیا / لَمْ نَعْلَمَ»: ندانسته‌ایم، ندانستیم / «أَنْ الاجتهاد»: که کوشش، که تلاش / «مِنْ أسباب النجاح»: از سبب‌های (علت‌ها) موفقیت است / «للائسان»: برای انسان / «و لا يَقْوُؤُا إِلَّا الْمُجْتَهِدُونَ مَيَّا»: و از ما تنها تلاشگران موفق می‌شوند

نکته مهم درسی

در ترجمه‌ی جمله‌ای که در آن، استثناء وجود دارد، اگر جمله‌ی قبل از «أَلَا»، منفی یا سؤالی و ناقص و ناتمام باشد (مستثنی‌منه محذوف باشد)، می‌توان جمله‌ی منفی یا سؤالی را به‌صورت مثبت، البته همراه با معنی انحصار (حَضْر) و با کلمه‌ی «فقط» یا «تنها»، معنی کرد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینیه‌ی «۱»: «نمی‌دانیم» نادرست است و «لائسان» ترجمه نشده است.

گزینیه‌ی «۲»: «سبب» و «انسان‌ها» نادرست‌اند.

گزینیه‌ی «۳»: «عِلْم نداریم» و «هر انسانی» نادرست‌اند.

۲۷- (ابوالفضل تاپیک)

«رأيتُ»: دیدم (فعل ماضی ساده) / «فی قرینتا»: در روستایمان / «كراماً»: بزرگواری / «قبِلوا»: پذیرفته بودند (فعل ماضی بعید) / «عذراً»: عذر ما را / «هؤلاء»: این‌ها / «افتخار لنا»: افتخاری برای ما هستند

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینیه‌ی «۱»: «بزرگواری» و «این» از موارد نادرست‌اند. / گزینیه‌ی «۲»: «بزرگواران روستا» و «می‌پذیرند» از موارد نادرست‌اند. / گزینیه‌ی «۳»: «روستا» و «آن‌ها» و «پذیرفتند» نادرست‌اند.

۱۴- (مرتضی منشاری - اردبیل)

جناس: چین (کشور چین) و چین (شکن زلف) / «صنم» استعاره از «معشوق» / «عالم» مجاز از «مردم عالم» / تناسب: چین و زلف
(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

۱۵- (کافم کافمی)

در بیت گزینیه‌ی «۱»، چهار تشبیه وجود دارد:
«چوگان سعادت» / «گوی مراد» / «گوی دل» / «زلف چو چوگان»

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینیه‌ی «۲»: «شمع عارض» تشبیه گزینیه‌ی «۳»: تشبیه: قد سو / قبا‌ی ناز گزینیه‌ی «۴»: تشبیه دل به غنچه
(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

۱۶- (کافم کافمی)

ج تشبیه: سیمرغ وهم / باز (شاهین) همت
ب) حسن تعلیل: دلیل خاموش‌بودن شمع، مراعات حال پروانه و نسوزاندن بال‌های او دانسته شده است.

د) تناقض: جامه‌ی عربانی

الف) ایهام تناسب: دستان ← (۱) نیرنگ، حیل (معنی مورد نظر) (۲) لقب زال (که با رستم و زال تناسب دارد).

زال ← (۱) پیر، کهنسال (معنی مورد نظر) (۲) پدر رستم (که با رستم و دستان تناسب دارد).

ه) اسلوب‌معادله: سرمایه‌ی ظالم، از غارت ضعفا حاصل می‌شود، همان‌طوری‌که خوراک شعله‌ی آتش از خس و خاشاک فراهم می‌شود.

(زبان و ادبیات فارسی، آرایه‌ی ترکیبی)

۱۷- (کافم کافمی)

بیت «د»: حزم / بیت «ه»: پیش‌گیری / بیت «ج»: ناکامی / بیت «ب»: آزادی / بیت «الف»: تقدیرگرایی

توجه: حزم: دوراندیشی، هوشیاری، پیش‌بینی

تقدیرگرایی: اعتقاد به قضا و قدر، باور داشتن به قسمت ازلی که برای انسان رقم خورده است.
(ادبیات فارسی ۲، ترکیبی)

۱۸- (مرتضی منشاری - اردبیل)

در گزینیه‌های «۱»، «۳» و «۴» کردار بر گفتار ترجیح داده شده است، اما شاعر در گزینیه‌ی «۲» می‌گوید: از کردار و عمل، برای ما بهره‌ای نیست. از ما همین گفتار بر جای می‌ماند.
(ادبیات فارسی ۲، مشابه صفحه‌ی ۱۱۳)

۱۹- (مریم شمیرانی)

در عبارت صورت سؤال و گزینیه‌ی «۳» موضوع محوری این است که چون بنده، عمل شایسته‌ی بهشت ندارد پس نمی‌تواند به آن تکیه کند، بلکه امید به فضل و بخشش خداوند دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینیه‌ی «۱»: اگر از دوزخ نمی‌ترسم به دلیل غفلتم نیست، بلکه از اعمالم مطمئنم.

گزینیه‌ی «۲»: فضل تو حور و بهشت و کوثر می‌سازد.

گزینیه‌ی «۴»: فرومایه با علم و عمل خود بهشت را به‌دست می‌آورد، نه محبوب را و این تجارت او خسارت است.
(ادبیات فارسی ۲، صفحه‌ی ۱۸)

۲۰- (ممسن اصغری)

مفهوم «تجلی خداوند (معشوق) در موجودات» مشترکاً در بیت صورت سؤال و گزینیه‌های مرتبط دریافت می‌شود.

(ادبیات فارسی ۳، صفحه‌ی ۱۵۰)

۲۱- (مریم شمیرانی)

مفاهیم دین و دل باختن در قمار عشق و پشیمان نبودن، پیام‌های بیت صورت سؤال هستند که در بیت گزینیه‌ی «۴» نیز آمده‌اند.

(ادبیات فارسی ۳، صفحه‌ی ۱۰۳)

۲۸-

(اسماعیل یونس‌پور)

«لَمْ يَفْصِرُوا»: کوتاهی نکرده‌اند (نکردند) / «فِي آدَاءِ وَاجِبِهِمْ»: در انجام تکلیف خود (تکلیفشان) / «نَجَحُوا»: موفق شدند، قبول شدند / «جَمِيعًا»: همگی / «فِي امتحانات نهایی‌السنه»: در امتحانات پایان سال

نکته‌ی مهم درسی

چنان‌چه حرف نفی «لم» قبل از فعل مضارع بیاید، فعل، معادل ماضی نقلی منفی یا ماضی ساده‌ی منفی ترجمه می‌شود.

۲۹-

(امجد طریقی)

«يَنْظُرُ»: باید نگاه کند / «كُلُّ مَنْ»: هر یک از ما / «مَا»: آن‌چه / «يَخْذُلُ لَهُ»: برایش اتفاق می‌افتد / «نَظَرَ الْعَاقِلُ»: هم‌چون عاقل (مفعول مطلق نوعی) / «لِيَنْتَفِعَ مِنَ الْوَعْدِ»: تا از حوادث بهره‌بربرد / «فِي الْمُسْتَقْبَلِ»: در آینده

نکته‌ی مهم درسی

در ترجمه‌ی مفعول مطلق نوعی (بیانی)، از قیده‌های بیانی مانند: به نیکی، بسیار، سخت، هم‌چون، مانند و ... بهره می‌گیریم. در این نوع مفعول مطلق دقت کنیم که از ترجمه‌ی این مصادر منصوب به‌صورت مفعول به‌بهریزیم.

۳۰-

(مسین رضایی)

صورت صحیح ترجمه: ترس من از هم‌نشین بد، بیش‌تر از غم تنهایی است!

خَوْفِي (خَوْف + ي): ترس من.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: لا ینتفع من ... إلیَّ من ... فقط کسی سود می‌برد ...

در جمله معنای حصر وجود دارد، لذا فعل با آوردن «فقط» ماقبل مستثنی، مثبت ترجمه شده است.

گزینه‌ی «۲»: قد (بر سر فعل مضارع): گاهی، یَسَلِّی ... تَلَقَّیَ أَحْسَنَ من ...: بهتر از ... دریافت می‌کند. کلمه‌ی «تَلَقَّیَ» با توجه به صفت بعدش، مفعول مطلق نوعی است؛ خودش ترجمه نمی‌شود، بلکه تنها صفت «أَحْسَنَ» ترجمه می‌شود.

گزینه‌ی «۴»: أَكْثَر ... جَلْمًا أَفْهَمَ خَطًّا ...: پردبارترین ... کم‌خط‌ترین ... دو کلمه‌ی مشخص شده، تمییز هستند که به چند شکل ترجمه می‌شوند؛ از جمله: (الف) با حذف اسم تفضیل و آوردن پسوند «ترین» همراه تمییز، (ب) استفاده از تعابیری مانند «از لحاظ ...» قبل از تمییز

۳۱-

(فاطمه منصورفاکی)

با توجه به ترجمه‌ی عبارت (کسی را که پایین‌دست توست به پایین نینداز، تا (در نتیجه‌ی آن) کسی که بالای توست تو را (پایین) بیندازد!) گزینه‌ی «۳» صحیح است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: می‌گوید: توانگر بودن با قناعت بهتر است از توانگری با سرمایه.

گزینه‌ی «۲»: می‌گوید: کسی که جایگاه بالاتری دارد به تواضع نمودن رغبت بیش‌تری دارد.

گزینه‌ی «۴»: به اثر گذاری تواضع و نرمی نمودن با دشمن اشاره دارد.

۳۲-

(صالح پاسبان)

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «هُؤُلَاءِ» برای جمع غیر انسان به‌کار نمی‌رود. / «لَيْسَ»: نیست / «ظلمات»: تاریکی‌ها / «السَّجَادَةِ» باید به‌صورت نکره باشد و «الرَّائِعَةُ» نیز به‌عنوان صفت برای «سجاده»: یک فرش» باید نکره باشد.

گزینه‌ی «۲»: «السَّمَاءُ» زائد است. / «اللَّيَالِي»: شب‌ها (جمع)

گزینه‌ی «۳»: «هَذَا» و «بَيْتًا» مذکر هستند، در حالی‌که برای جمع غیر انسان باید از مفرد مؤنث استفاده شود. هم‌چنین «جَمِیلًا» نادرست است، زیرا باید از موصوف خود تبعیت کند (جمیلةً).

۳۳-

(امجد طریقی)

در حروف مشبَّهة بالفعل، «لعلَّ» به‌معنی «شاید» برای بیان احتمال و امکان به‌کار می‌رود و کلمه‌ی «لَئِيتَ» به‌معنی «ای کاش» برای آرزو کردن و «تَمَنَّى» می‌آید، بنابراین تعریب صحیح عبارت در گزینه‌ی «۳»، این‌گونه است: «وَلَئِيتَنَا لَمْ نَكُنْ نَتَعَجَّلُ فِي الْكَلَامِ حَتَّى لَا تَنْدَمَ!»

ترجمه‌ی متن درک‌مطلب:

«پیر فرزانه‌ی نزدیک یک جوی آب نشسته بود و به زیبایی طبیعت می‌اندیشید. در آن هنگام عقری را دید که در آب افتاده بود در حالی که تلاش می‌کرد که خود را از غرق شدن نجات دهد. مرد تصمیم گرفت نجاتش دهد. پله، دستش را به سوی او دراز کرد!

پس عقری از سلاح همیشگی‌اش استفاده کرد و به گونه‌ای دردناک نیشش زد. مرد دست خود را فریاد کنان عقب کشید، ولی یک دقیقه نگذشت تا این‌که کار نجات تکرار شد. در نتیجه دوباره عقری او را نیش زد... پس از دقیقه‌ای برای سومین بار تلاش کرد... آن‌جا مرد دیگری نیز که مراقب آن‌چه اتفاق می‌افتاد، بود؛ داد زد: ای حکیم آیا از تجربه‌ی اول و دوم پند نگرفتی؛ پس به تلاشت ادامه می‌دهی؟! همانا حکیم چیزی نگفت و کارش را ادامه داد تا این‌که موفق شد. سپس به سمت آن مرد رفت در حالی‌که می‌گفت: فرزندم، از طبیعت (سرشت) عقری است که نیش بزند و از سرشت من است که عشق بورزم و مهربانی کنم، پس چرا از من می‌خواهی که اجازه دهم به سرشت آن که بر سرشت من چیره شود؟!»

۳۴-

(مسین رضایی)

متن در مورد مدارا کردن با دیگران و جواب بدی را با بدی ندادن است و جمله‌ی «أَحْسِنَ إلی من أسأ: نیکی کن به کسی که به تو بدی کرده است.» نیز دارای همین مفهوم است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: با هر کس مثل خودش رفتار کردن، از متن برداشت نمی‌شود.

گزینه‌ی «۳»: در ترس ننگ است و در شجاعت، بزرگی است و آدمی با ترس از سرنوشت رهایی نمی‌یابد. (دارای مفهوم شجاعت است.)

گزینه‌ی «۴»: بزرگی را خرمایی میندازد که تو خورنده‌ی آن هستی، به بزرگی نخواهی رسید تا این‌که گیاه تلخ را بجشی. (مفهوم: ناپرده رنج گنج میسر نمی‌شود.)

۳۵-

(مسین رضایی)

با توجه به متن، «مردی که مراقب این صحنه بود، نجات عقری را تأیید نکرد!» صحیح است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: دو مرد سه بار به نجات عقری پرداختند! (یک مرد این کار را کرد.)

گزینه‌ی «۲»: کسی جز مرد حکیم عقری را داخل آب مشاهده نکرد! (مرد دیگری نیز آن را مشاهده کرد.)

گزینه‌ی «۴»: پس از یک دقیقه برای بار دوم (آن) حکیم به نجات عقری پرداخت! (در متن آمده: بار دوم یک دقیقه نگذشته بود.)

۳۶-

(مسین رضایی)

مرد حکیم از ما می‌خواهد با دیگران با سرشت‌های خودمان، نه با سرشت‌های آن‌ها رفتار کنیم!

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: همان‌طور که با ما رفتار می‌کنند! (مقابله به مثل)

گزینه‌ی «۳»: رفتاری که لیاقتش را دارند بدون مهربانی!

گزینه‌ی «۴»: براساس اخلاق آن‌ها نه براساس اخلاق خودمان!

۳۷-

(مسین رضایی)

«بسیاری مواقع از رفتار خوب با یک سری مردم احساس پشیمانی می‌کنم، گمان می‌کنم استحقاق آن را ندارند، ولی این پشیمانی درست نیست!»



تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: از ... ناراحت نمی‌شوند. (از رفتار خوب کسی ناراحت نمی‌شود).
گزینه‌ی «۲»: شایسته‌ی ... هستند. (مخالف گزینه‌ی صحیح و نیز دیدگاه مطرح شده در متن است).
گزینه‌ی «۴»: لیاقت ... را دارند. (مترادف معنای گزینه‌ی «۲»)

۳۸-

(عسین رضایی)
«تَعَمَّ»: حرف تصدیق و مبنی بر سکون / «مَدَّ»: فعل ماضی مبنی بر فتحه / «يَدَّ»: اسم معرفه، مفعول به و منصوب / «هَ»: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / «الْقَرْبُ»: مبتدا و مرفوع / «اسْتَفَادَ»: فعل ماضی مبنی بر فتح / «مِنَ» (مِنْ): حرف جرّ / «السَّلَاحُ»: مجرور به حرف جرّ / «الدَّائِمِيَّ»: صفت و مجرور به تبعیت / «لَسَعَهُ»: فعل ماضی مبنی بر فتح و «هَ» مفعول به آن مبنی بر ضمّه / «لَسَعَهُ»: اسم نکره، مفعول مطلق و منصوب / «الْيَمَّةَ»: صفت و منصوب به تبعیت از مفعول مطلق

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «الْيَمَّةَ» صفت تابع مفعول مطلق با اعراب نصب صحیح است.
گزینه‌ی «۲»: «لَسَعَهُ» نکره‌ی منصرف تونین می‌پذیرد.
گزینه‌ی «۴»: «يَدَّ» مفعول به و با اعراب نصب صحیح است.

۳۹-

(عسین رضایی)
«دَفَعَ»: فعل ماضی و مبنی بر فتح / «الرَّجُلُ»: فاعل و مرفوع / «يَدَّ»: مفعول به و منصوب / «هَ»: مضاف‌الیه و محلاً مجرور / «صَارِحَاً»: حال و منصوب / «لَمْ»: از حروف جازمه / «تَمَضَّى»: فعل مضارع للغائبه معتل ناقص مجرد و مجزوم به حذف حرف عله‌ی «ياء» / «دَفَعَهُ»: اسم نکره، فاعل و مرفوع / «تَكَرَّرَ»: فعل ماضی للغائب لازم از باب تفعّل / «عَمَلٌ»: مصدر ثلاثی مجرد، اسم معرفّ به اضافه، فاعل و مرفوع / «الْتَجَاةَ»: مضاف‌الیه و مجرور

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: «عَمَلٌ» فعل قبل از آن لازم است پس این اسم، مفعول به نیست، بلکه فاعل است.

گزینه‌ی «۳»: «تَكَرَّرَ» مضارع مجهول و منصوب از باب تفعیل نیست، اگر مضارع بود یا توجه به فاعل مذکر اولش «ی» می‌گرفت.
گزینه‌ی «۴»: «دَفَعُ» فعل ماضی است نه اسم و مبتدا.

۴۰-

(عسین رضایی)
تشریح گزینه‌های دیگر
گزینه‌ی «۲»: «معتل و أجوف» نادرست است. / گزینه‌ی «۳»: «معرّب» و «منصوب» بالفتحة نادرست‌اند. / گزینه‌ی «۴»: «مجرد ثلاثی» و «خبر» نادرست‌اند.

۴۱-

(عسین رضایی)
«یقل» فعل معتل أجوف از ریشه‌ی «قول» مجزوم با علامت اعراب اصلی، فاعل آن ضمیر مستتر و جمله‌ی فعلیه خبر «إِنَّ» و محلاً مرفوع است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «منصوب» نادرست است. / گزینه‌ی «۲»: «للمجهول» و «نائب فاعل» نادرست‌اند. / گزینه‌ی «۳»: «مثال» نادرست است.

۴۲-

(عسین رضایی)
«عجوز» اسم «کان» و مرفوع و «حکیم» صفت و تابع اسم «کان» و مرفوع است.
تشریح گزینه‌های دیگر
گزینه‌ی «۱»: «خبر» نادرست است. / گزینه‌ی «۲»: «ممنوع من الصرف» نادرست است. / گزینه‌ی «۳»: «منصوب بالتبعیة لخبر ...» نادرست است.

۴۳-

(امجد طریقی)
در این گزینه، هیچ اسم مشتقی به کار نرفته است: «التَّاسُ»: اسم جامد غیر مصدر / «الْإِتِّعَادُ، الْإِفْرَاطُ، التَّفْرِيطُ وَ الْإِنْفَاقُ» هر چهار اسم، جامد مصدر هستند.

نکات مهم درسی

اسم‌های جامد عربی، بر دو دسته‌اند: الف - جامد مصدر. ب - جامد غیر مصدر. توضیح این‌که همدی اسم‌هایی که مصدر هستند، در زبان عربی، اسم‌های جامد به حساب می‌آیند. هم‌چنین جامد یا مشتق بودن اسم‌های عربی، به مفرد آن‌ها بستگی دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «الْقَوَى» بر وزن «فعلیل» صفت مشبیه است.
گزینه‌ی «۲»: «مَشْغُولُونَ»، اسم مشتق از نوع اسم مفعول است.
گزینه‌ی «۴»: «عُلَمَاءُ» که مفرد آن، «علیم» بر وزن فعلیل است، اسم مشتق می‌باشد.

۴۴-

(صاری پاسبکه)
«اللِّبَالِيَّ»، اعراب تقدیری و ضمیر «ها» اعراب محلی دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

در گزینه‌های «۱» و «۳»: «المعانی» و «المأشی» منصوب بوده و علامت اعراب آن‌ها ظاهری است.
گزینه‌ی «۴»: «مال»، صحیح الآخر است و اعراب تقدیری ندارد.

۴۵-

(روشنعلی ابراهیمی)
فعل «لتنجح: برای این‌که موفق شوی» مضارع منصوب است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: فعل «لا یواصل: نباید ادامه بدهند» مضارع مجزوم و «یفشلان» مضارع مرفوع است.
گزینه‌ی «۳»: فعل «لا نرض: نباید خشنود باشیم» مضارع مجزوم به حذف حرف عله است.
گزینه‌ی «۴»: فعل «لا یتکاسل: نباید تنبلی کند» مضارع مجزوم / «لا یتکاسل: تنبلی نمی‌کند»: مضارع مرفوع

۴۶-

(اسماعیل یونس‌پور)
در این عبارت اسم ظاهر «مؤمن» نائب فاعل است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: ضمیر مستتر «هو» نائب فاعل «قُبِلَ» است.
گزینه‌ی «۳»: ضمیر مستتر «هی» نائب فاعل «خَلِقَتْ» است.
گزینه‌ی «۴»: ضمیر مستتر «هی» نائب فاعل «أُتِلَفَتْ» است.

۴۷-

(ابوالفضل تاپیک)
در گزینه‌ی «۴»: «شفاء» مصدر معتل است، نه فعل معتل.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «لا یَدْعُونَ» فعل معتل است. / گزینه‌ی «۲»: «جاء» فعل معتل است. / گزینه‌ی «۳»: «لَبَّتْ» فعل معتل است.

۴۸-

(صاری پاسبکه)
«خاسرین»، در جنس و عدد از «الأعداء» (صاحب حال) تبعیت می‌کند.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲»: «فرحون» مرفوع است و حال باید منصوب باشد (فرحین).
گزینه‌ی «۳»: «مشققاً» با صاحب حال خود «الأم» در جنسیت تناسب ندارد. (مشققة).
گزینه‌ی «۴»: «حاذقاً» با صاحب حال «طالبو الفن» در عدد مطابقت ندارد (حاذقین).

۵۷- (مرتضی مفسنی‌کبیر)
آیات «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ وَاذُنُ لَرْيِبًا وَحَقَّتْ» اشاره به مرحله‌ی اول قیامت دارد.
(زین و زنگری ۲، درس ۸، صفحه‌های ۷۷ تا ۸۰)

۵۸- (امین اسیران‌پور)
عبارت شریفه‌ی: «قال معاذ الله انه ربِّي احسن مثنوی»، مربوط به جلوه‌ی حضرت یوسف (ع) است، نه حضرت مریم (س).
(زین و زنگری ۲، درس ۱۲، صفحه‌ی ۱۳۲)

۵۹- (سیرامسان هنری)
عبارت اول مربوط به شرایط امر به معروف و نهی از منکر و عبارت دوم مربوط به روش امر به معروف و نهی از منکر است.
(زین و زنگری ۲، درس ۴، صفحه‌های ۱۵۱ تا ۱۵۳)

۶۰- (مرتضی مفسنی‌کبیر)
امام کاظم (ع) می‌فرماید: ای هاشم، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاده، جز برای آن که این بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند (افضل) نسبت به فرمان‌های الهی داناترند (اعلم) و آن کس که عقلش کامل‌تر (اکمل) است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است (ارفع).
(زین و زنگری ۳، درس ۱، صفحه‌ی ۱۴)

۶۱- (مسلم بهمن‌آبادی)
این عبارت «متخصصان دین (فقها) می‌توانند از درون معارف اسلام، قوانین مورد نیاز جامعه دربارہ بانکداری، اسکناس و ... را استخراج کنند و در اختیار مردم قرار دهند» بیانگر توجه به نیازهای متغیر، در عین توجه به نیازهای ثابت است و عبارت: «اجرای صنعت بیمه توسط حاکم اسلامی در چارچوب قوانین اسلام» بیانگر اختیارات حاکم و نظام اسلامی است.
(زین و زنگری ۳، درس ۲، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۳)

۶۲- (مهمرسن فضلعلی)
جمله‌ی «هر اقدامی که منجر به غلبه‌ی بیگانگان بر مسلمانان شود، مردود است.» و آیه‌ی شریفه‌ی «و لن يجعل الله للکافرین ...» هر دو اشاره به قاعده‌ی نفی سبیل دارند.
(زین و زنگری ۳، درس ۴، صفحه‌های ۵۰ و ۵۳)

۶۳- (مسلم بهمن‌آبادی)
در آیه‌ی اطاعت تکلیف مسلمانان در امر حکومت و مشکلات اجتماعی پس از رحلت پیامبر (ص)، مراجعه به اولوا الامر یعنی همان دوازده امام می‌باشد.
(زین و زنگری ۳، درس ۵، صفحه‌ی ۵۹)

۶۴- (دراوور مهمری)
مطابق با کلام حضرت علی (ع)، در دوران پس از ایشان، دروغ بستن بر خدا و پیامبرش رایج‌ترین مسأله و در آن ایام چیزی ناشناخته‌تر از معروف و خیر نخواهد بود.
(زین و زنگری ۳، درس ۷، صفحه‌ی ۸۷)

۶۵- (مهمرسن فضلعلی)
یکی از لوازم ظهور حضرت مهدی (عج)، ناامیدی بشریت از همه‌ی مکاتب غیرالهی است. این جمله که «چه بسایرند افرادی که از یاری امام عصر (عج) برخوردار می‌شوند؛ بدون این‌که ایشان را بشناسند.» اشاره به این موضوع دارد که دوره‌ی غیبت، به معنای عدم رهبری امام عصر (عج) نیست، بلکه رهبری حقیقی مسلمانان هم اکنون نیز با ایشان است.
(زین و زنگری ۳، درس ۹، صفحه‌های ۱۱۳ و ۱۱۴)

۶۶- (مرتضی مفسنی‌کبیر)
منتظر حقیقی تلاش می‌کند در عصر غیبت هم پیرو امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند. پیروی از دستور آن حضرت مبنی بر مراجعه به عالمان دین و تبعیت از آن‌هاست که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خوشا به حال کسی که به حضور قائم» برسد، در حالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد.» و این موضوع در عبارت «و اما الحوادث الواقعة ...» تجلی دارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «یاران مهدی (عج) مردمانی مقاوم، سرشار از یقین به خدا و استوارتر از صخره‌ها هستند. اگر به کوه روی آورند، آن‌ها را متلاشی می‌کنند.»
(زین و زنگری ۳، درس‌های ۱۰ و ۱۱، صفحه‌های ۱۲۳، ۱۲۴ و ۱۳۶)

۴۹- (سیرامسان هنری)
با توجه به صورت سؤال، در جای خالی نیاز به عبارتی داریم که شامل مفعول مطلق نوعی (بیانی) باشد؛ در این گزینه «ظلماً» مفعول مطلق نوعی است، چرا که پس از آن جمله‌ی وصفیه‌ی «بیقی اثره» آمده است.

تشریح گزینه‌های دیگر
گزینه‌ی «۱»: در این گزینه مفعول مطلق وجود ندارد.
گزینه‌ی «۲»: «إستغفاراً» مفعول مطلق تأکیدی است، چرا که پس از آن صفت یا مضاف‌الیه وجود ندارد.
گزینه‌ی «۳»: «أخلاقاً» تمیز است و «حقاً» مفعول مطلق است، اما از نوع بیانی نیست.

۵۰- (اسماعیل یونس‌پور)
با توجه به فعل امر «حاولوا»، «طَلَباً» منادای مضاف و منصوب است.
تشریح گزینه‌های دیگر
گزینه‌ی «۱»: «محمّداً» منادای علم و مبنی بر ضمّ است و تئوین نمی‌گیرد (محمّداً).
گزینه‌ی «۲»: «فَلأحی» منادای مضاف و منصوب است و نون جمع به هنگام اضافه حذف می‌شود.
گزینه‌ی «۳»: با توجه به مؤنث بودن «التلمیذات»، «أنتها» صحیح است.

فرهنگ و معارف اسلامی

۵۱- (مهمرسن فضلعلی)
آیه‌ی شریفه‌ی «ربّنا ما خلقت هذا بطلاً...» عبث و بطلان را از صحنه‌ی آفرینش منتفی می‌داند و آیه‌ی شریفه‌ی «خلق الله السماوات و الارض بالحق...» خلقت هدفمند جهان آفرینش را به صراحت بیان می‌کند.
(زین و زنگری ۲، درس ۱، صفحه‌های ۵ و ۶)

۵۲- (مسلم بهمن‌آبادی)
این مفهوم که: «هر یک از مخلوقات در بهترین شکل و ترکیب خلق شده‌اند و آنچه را که لازمه‌ی رساندن آن‌ها به هدف بوده، خداوند در خلقتشان قرار داده است»، پیام آیه‌ی «خلق السماوات و الارض بالحق و صورکم...» است.
(زین و زنگری ۲، درس ۲، صفحه‌های ۱۷ و ۲۴)

۵۳- (سیرامسان هنری)
بیت سعدی و آیه‌ی: «فاقم وجهک للدين حنیفاً فطرت الله الّتی فطر الناس علیها»، هر دو به فطرت خدا آشنا و خداگرا از سرمایه‌های رشد انسان اشاره دارد.
(زین و زنگری ۲، درس ۳، صفحه‌های ۳۳ و ۳۷)

۵۴- (مسلم بهمن‌آبادی)
عبارت «النشأة الاخرة»، «الدّار الاخرة» و «الآخرة»، هر سه اشاره به وجود جهان دیگر و عدم حصر آفرینش به دنیا دارد؛ اما عبارت «خلقا اآخر» اشاره به وجود بعد روحانی در انسان می‌کند.
(زین و زنگری ۲، درس‌های ۳ و ۵، صفحه‌های ۳۹، ۴۰، ۵۱، ۵۲ و ۵۵)

۵۵- (مهمرسن فضلعلی)
با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی «ام نجعل الذّین ...» درمی‌یابیم که برای بسیاری از اعمال خوب یا بد، جزایی مقرر است که در این دنیا امکان دریافت این جزا نمی‌باشد و عدالت خداوند، لزوم تحقق جهان دیگری را برای دریافت این جزا به همراه دارد.
(زین و زنگری ۲، درس ۶، صفحه‌های ۶۲ و ۶۵)

۵۶- (سیرامسان هنری)
جهنم برزخی تجلی کوچکی از جهنم اخروی است. ظرف تحقق آیه‌ی شریفه‌ی: «یوم تقوم الساعة ادخلوا ال عافون اشذ العذاب» جهنم اخروی است نه تجلی کوچکی از جهنم آخرت.
(زین و زنگری ۲، درس ۷، صفحه‌های ۶۹، ۷۰ و ۷۲)



زبان انگلیسی

۶۷-

(مهم‌رسن فضلعلی)

افرادى که در توجیه خطا و گناه خود عوامل تحریک‌کننده‌ی بیرونی را مقصر جلوه می‌دهند، لازم است به این نکته توجه کنند که عوامل بیرونی فقط زمینه‌ساز هستند و تصمیم‌گیرنده برای ارتکاب به گناه خود انسان است. با توجه به آیه‌ی شریفه‌ی «من کان یرید...» درمی‌یابیم که عزت نفس ثمره‌ی بندگی خداوند است. (دین و زندگی ۳، درس ۱۳، صفحه‌های ۱۵۸ و ۱۶۰)

۶۸-

(سیرالاسان هنری)

این که پسر و دختر جوان با تشکیل خانواده، ایثار و از خودگذشتگی برای یک‌دیگر را تمرین می‌کنند، اشاره به چهارمین هدف ازدواج یعنی رشد اخلاقی و معنوی هر یک از اعضای خانواده دارد که پیام آیه‌ی شریفه‌ی «جعل بینکم مودة و رحمة» مؤید این هدف است. (دین و زندگی ۳، درس ۱۴، صفحه‌های ۱۷۱ و ۱۸۰)

۶۹-

(امین اسیران‌پور)

هر یک از ما با تمام وجود خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم، به همین جهت در سختی‌ها و مشکلات به او پناه می‌بریم و از او کمک می‌طلبیم که مفهوم عبارت شریفه‌ی «وظنوا أنهم احیط بهم دعوا الله مخلصین له الذین...» مؤید همین مفهوم است. (دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس ۱، صفحه‌های ۶ و ۱۳)

۷۰-

(امین اسیران‌پور)

وقتی گفته شود همه‌ی مخلوقات در کارهای خود نیازمند و وابسته به خداوند هستند، اما خداوند در اداره‌ی جهان به آن‌ها نیازی ندارد، به مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی «افرایم ما تحرون انتم ترعونه...» اشاره کردیم. (دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس ۲، صفحه‌های ۱۵ تا ۱۷)

۷۱-

(مرتضی مفسنی‌کبیر)

به میزانی که انسان موحد در جهت الهی پیش برود، گرایش‌های برتر مانند حقیقت‌طلبی، عدالت‌خواهی و... در رفتار او ظهور بیش‌تری می‌یابد و چنین انسانی دارای شخصیتی یگانه و یکپارچه در جهت عبودیت و پرستش خدا می‌شود (توحید عبادی در بعد فردی) و آیه‌ی شریفه‌ی «و من یسلم وجهه...» به این امر اشاره دارد. (دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس ۳، صفحه‌های ۲۲ و ۲۴)

۷۲-

(عالم‌دورانی)

غنائی مصون از فقر ← ثمرات عالی اخلاص
بهره‌مندی از امدادهای الهی ← انجام عمل صالح و راز و نیاز با خدا از برنامه‌های رسیدن به اخلاص (دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس ۴، صفحه‌های ۳۵، ۳۶ و ۳۸)

۷۳-

(مرتضی مفسنی‌کبیر)

اراده و حق انتخاب از ویژگی‌های ذاتی انسان و از تقدیرات الهی به حساب می‌آید و خروج از آن ناممکن است و رام ساختن دریا و همه‌ی مخلوقات در عالم امکان، براساس شناخت تقدیرات و قانون‌مندی‌های موجود در جهان است. (دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس ۵، صفحه‌های ۵۱ و ۵۲)

۷۴-

(علیرضا نظری)

آیه‌ی «هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند.» به سنت توفیق الهی اشاره می‌کند و با آیه‌ی شریفه‌ی «و الذین جاهدوا فینا لنهذینهم سلینا و ان الله لمع المحسنین» هم‌مفهوم است. (دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس ۶، صفحه‌های ۵۷ و ۶۰)

۷۵-

(امین اسیران‌پور)

مبارزه با تهاجم فرهنگی و ابتذال اخلاقی، از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات کفایی است و تولید سایت‌ها در شبکه‌ی اینترنت به منظور مبارزه با ابتذال اخلاقی مستحب است. (دین و زندگی پیش‌دانشگاهی، درس ۱۰، صفحه‌ی ۱۰۷)

۷۶-

(میلاد قریشی)

ترجمه‌ی جمله: «مادرش به نظر بسیار خوشحال می‌رسید، زیرا حلقه‌ی طلای او در آشپزخانه پیدا شده بود.»

نکات مهم درسی

با توجه به مفهوم و معنی، جمله دارای ساختار مجهول می‌باشد (عدم وجود مفعول بعد از جای خالی)، بنابراین گزینه‌های «۲ و ۱» نادرست هستند. از طرفی چون زمان فعل اول جمله گذشته‌ی ساده است باید از زمان گذشته‌ی کامل استفاده نمود (دلیل نادرستی گزینه‌ی «۳»).

۷۷-

(بهرام سنگیری)

ترجمه‌ی جمله: «از شش سال پیش که ونزولا را ترک کردم، چندین بار برگشته‌ام تا دوستان و خانواده را ملاقات کنم.»

نکته‌ی مهم درسی

با توجه به فرمول زیر گزینه‌های دیگر نادرست می‌باشند. دقت کنید که در این حالت کلمه‌ی "since" به معنی «از زمانی که» می‌باشد و حرف ربط دلیل نیست. «حال کامل + گذشته‌ی ساده + since»

۷۸-

(میرمسیب زاهری)

ترجمه‌ی جمله: «مرد آن قدر عجله داشت که فراموش کرد کیف پولش را ببرد.»

نکته‌ی مهم درسی

این تست در مورد کاربرد "such, so, enough, too" است. شکل دوم فعل "forget" گزینه‌های «۳ و ۴» را رد می‌کند. از طرفی، "hurry" اسم است نه صفت، قبل از اسم "such" به کار می‌رود نه "so"، پس گزینه‌ی «۱» درست است.

۷۹-

(بهرام سنگیری)

ترجمه‌ی جمله: «شاید او را خیلی وقت پیش دیدم. هم اسم و هم چهره‌ی او خیلی آشناست.»

نکته‌ی مهم درسی

هرگاه احتمال دهیم عملی در زمان گذشته اتفاق افتاده باشد از ساختار زیر استفاده می‌کنیم.

(قسمت سوم فعل + might / may + have + فاعل)

۸۰-

(شهاب اناری)

ترجمه‌ی جمله: «کارفرمایان دیگر او را نمی‌خواستند، زیرا وظایفش را به خوبی انجام نمی‌داد.»

- (۱) حمله کردن
(۲) احاطه کردن، محاصره کردن
(۳) انجام دادن، اجرا کردن
(۴) درگیر کردن، شامل شدن

۸۱-

(علیرضا یوسف‌زاده)

ترجمه‌ی جمله: «این کتاب دستورالعمل‌های مفیدی را برای ساختن تنوع وسیعی از کرم‌های دست و پوست ارائه می‌دهد. یک هدیه‌ی عالی برای خانم‌ها!»

- (۱) وقف، اختصاص
(۲) دستورالعمل
(۳) تولید
(۴) بحث

۸۲-

(شهاب اناری)

ترجمه‌ی جمله: «معمار تصویر ذهنی کاملی از ساختمانی که می‌خواست طراحی کند داشت.»

- (۱) ذهنی
(۲) سریع
(۳) مسئول
(۴) ناگهانی

۸۳-

(میرمسیب زاهری)

ترجمه‌ی جمله: «این جلسه برای تشکر از آن‌هایی برگزار می‌شود که سعی می‌کنند از روی نیکوکاری مدرسه‌ها و بیمارستان‌ها را بسازند.»

- (۱) مأموریت
(۲) مجوز
(۳) مافوق
(۴) نیکوکاری

(بوار مؤمنی)

پس از ضمیر موصولی در وسط جمله، جمله‌ی اسمیه حالت خبری دارد (دلیل نادرستی گزینه‌های «۱» و «۳») در ضمن فعل "wanted" گذشته است، لذا جمله‌ی موصولی پس از آن نیز باید گذشته باشد.

معنای کلماتی از متن

blanket: پوشاندن	explode: منفجر شدن
vast: وسیع	inhabitant: ساکن
map: نقشه کشیدن	complex: پیچیده
immense: زیاد	discipline: انضباط، رشته (تحصیلی)
proportion: نسبت	apply: به‌کار بردن، اعمال کردن
station: ایستگاه	regard: در نظر گرفتن
eventually: در نهایت	boundary: محدوده
gap: شکاف	content: محتوی

(شهاب اناری)

ترجمه‌ی جمله: «هدف این متن عمدتاً این است که ما را از اقیانوس‌شناسان و کار آن‌ها مطلع کند.»

(شهاب اناری)

ترجمه‌ی جمله: «نویسنده با ذکر طوفان‌های بزرگ (شدید) در پاراگراف دوم در واقع دارد مثالی می‌زند از این‌که چه‌طور فهم دریا زندگی‌های ما را می‌تواند بهتر کند.»

(شهاب اناری)

ترجمه‌ی جمله: «کلمه‌ی "their" که در پاراگراف ۳ زیر آن خط کشیده شده به «ساکنان» اشاره دارد.»

(شهاب اناری)

ترجمه‌ی جمله: «طبق متن همه‌ی این‌ها درباره‌ی اقیانوس‌شناسان صحیح است، غیر از این‌که آن‌ها رشته‌ی اقیانوس‌شناسی را در دانشگاه خوانده‌اند.»

معنای کلماتی از متن

panic: هول، هراس	overreact: حساسیت بیش از حد نشان دادن
numerous: متعدد، چندین	gentle: مهربان
affect: اثر گذاشتن (بر)	long-term: بلند مدت
respiratory: تنفسی	relieve: کم کردن
digest: هضم کردن	anorexia: بی‌اشتهایی (عصبی)

(رضا کیاسالار)

ترجمه‌ی جمله: «همه‌ی موارد زیر در میان آثار جسمانی استرس که در متن ذکر شده، هستند به‌جز اضافه وزن در نتیجه‌ی مصرف داروها.»

(رضا کیاسالار)

ترجمه‌ی جمله: «طبق متن، مردمی که متأثر از استرس‌اند، ممکن است دچار بیماری روانی شوند اگر استرس‌شان برای مدتی طولانی علاج نشده باقی بماند.»

(رضا کیاسالار)

ترجمه‌ی جمله: «متن به اعتیاد به الکل به‌عنوان یک بیماری مرتبط با استرس اشاره می‌کند چون شاید معتادان الکل در تلاشی برای کنترل استرس دچار اعتیاد شدند.»

(رضا کیاسالار)

ترجمه‌ی جمله: «متن برای کدام‌یک از سوالات زیر اطلاعاتی را فراهم نمی‌آورد؟»
«آیا هیچ معالجه‌ای طبیعی برای استرس، افسردگی و اضطراب وجود دارد؟»

۸۴-

(میب‌الله سعادت)

ترجمه‌ی جمله: «امامان فعالانه ما را توصیه به بحث درباره‌ی مشکلاتمان می‌کند، اما، درحقیقت، این اوست که همیشه حرف آخر را می‌زند.»

- (۱) توصیه کردن
(۲) قول دادن
(۳) پژوهش کردن
(۴) ساختن

۸۵-

(میلاد قریشی)

ترجمه‌ی جمله: «این نوع دارو که پزشک سفارش داده (تجویز کرده) است در داروخانه‌ها موجود (در دسترس) نیست.»

- (۱) مناسب
(۲) موجود، در دسترس
(۳) نگران
(۴) فردی

۸۶-

(میرمسیب زاهدی)

ترجمه‌ی جمله: «پرتاب کردن ماهواره‌ها و کاوشگرها در کمان از جهان هستی را بیش‌تر افزایش داده است.»

- (۱) بزرگ کردن
(۲) تخلیه کردن، به پایان رساندن
(۳) افزایش دادن
(۴) ارزیابی کردن

۸۷-

(بهرام دستگیر)

ترجمه‌ی جمله: «مسیر باد به‌طور مدام در حال تغییر است. کلمه‌ای که زیرش خط کشیده شده است یعنی ...»

- (۱) به‌طور جدی
(۲) کاملاً
(۳) به‌طور جداگانه
(۴) مکرراً، به‌صورت مداوم

معنای کلماتی از متن

face: مسابقه	crutch: چوب زیر بغل	achievement: دستاورد
--------------	---------------------	----------------------

(بوار مؤمنی)

(۱) حقیقتاً
(۲) به آرامی
(۳) با قاطعیت

... a truly wonderful thing ...
... یک چیز حقیقتاً شگفت‌انگیز ...

۸۹-

(بوار مؤمنی)

(۱) جلوگیری
(۲) تشویق
(۳) انقراض

praise and encouragement:
تحسین و تشویق

۹۰-

(بوار مؤمنی)

(۱) الصاق کردن
(۲) پوشاندن
(۳) ابداع کردن
(۴) سهیم کردن

... I shared the story ...:
... این داستان را در میان گذاشتم ...

۹۱-

(بوار مؤمنی)

(۱) عصبی
(۲) عمومی
(۳) ویژه
(۴) بی‌دقت

... how special he was.:
... چقدر او خاص بود.



دفترچه‌ی پاسخ

آزمون ۱۵ خرداد ماه ۹۴

اختصاصی منحصراً زبان

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی «وقف عام»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین - پلاک ۹۲۳ - تلفن: ۶۴۶۳-۲۱



دفترچه‌ی پاسنخ

آزمون ۱۵ خرداد ماه ۹۴

منحصراً زبان

طراهان بر اساس حروف الفبا

زبان انگلیسی تخصصی	مسعود پیربدائی، نسرين خلفی، بهرام دستگیری، مرجان شیخی، بهزاد صادقان فرد، مسعود غایبی، معصومه کشاورز، جواد مؤمنی، علیرضا یوسفزاده
--------------------	----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	زبان انگلیسی تخصصی
گزینشگر	مرجان شیخی
مسئول درس	_____
گروه ویراستاران	مسعود پیربدائی، جواد مؤمنی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	مسعود اعتصامی
مسئول دفترچه	معصومه شاعری
مستندسازی و مطابقت با مصوبات	مدیر: مریم صالحی مسئول دفترچه: فاطمه فلاح‌پیشه
حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی	زهرا کاظم‌پور
ناظر چاپ	علیرضا سعدآبادی

بنیاد علمی آموزشی قلم چی «وقف عام»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین - پلاک ۹۲۳ - تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۶۲۵۰۰

زبان انگلیسی تخصصی

۱۰۱-

(مربان شیفی)

نکته: زمان جمله‌ی اول حال ساده است، اما قید "later this afternoon"، به زمان آینده اشاره دارد. زمان آینده‌ی استمراری دلالت بر عملی می‌کند که در زمان مشخصی در آینده در حال انجام خواهد بود.

۱۰۲-

(مسعود پیردراقی)

ترجمه‌ی جمله: «چون قبلاً آن‌جا کار کرده بودم نیازی به مصاحبه نداشتم.»
نکته: با توجه به مفهوم جمله که عدم نیاز به انجام کاری را می‌رساند، گزینه‌ی «۳» صحیح است.

۱۰۳-

(مربان شیفی)

نکته: "evidence" غیرقابل شمارش است، در نتیجه گزینه‌ی «۴» صحیح است. دقت کنید که "little" تنها زمانی که به‌عنوان اسم و در مفهوم "مقدار کم" به کار رود با "of"، همراه است اما این‌جا نقش صفت دارد و بدون "of" می‌آید.

۱۰۴-

(مسعود پیردراقی)

نکته: با توجه به زمان آینده در گذشته‌ی ساده در بند جواب شرط، شرطی نوع دوم بوده و گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» نادرست است. "were to" برای رساندن غیرمحمول بودن عملی به‌کار می‌رود و در شرطی نوع دوم کاربرد دارد.

۱۰۵-

(مربان شیفی)

نکته: جمله‌ی بعد از "I wish" یک زمان عقب‌تر است، در نتیجه گزینه‌های «۱» و «۳» نادرست هستند. چون جمله به زمان حال اشاره دارد، گزینه‌ی «۲» صحیح است.

۱۰۶-

(مسعود پیردراقی)

نکته: توجه کنید که هر دو واژه‌ی "money" و "happiness" در عین غیرقابل شمارش بودن، در این‌جا در مفهوم عام و کلی به کار رفته‌اند و بدون حرف تعریف می‌آیند.

۱۰۷-

(مربان شیفی)

نکته: ربط‌دهنده‌ی تضاد "but" نشان می‌دهد که پولی دریافت نشده است، پس گزینه‌ی «۲» نادرست است. "neither" در جملات مثبت برای رساندن مفهوم منفی به‌کار می‌رود.

۱۰۸-

(مسعود پیردراقی)

نکته: در نقل قول غیرمستقیم جملات سوآلی که جوابشان "yes/no" است، بلافاصله بعد از فعل ناقل از "if" یا "whether or not/ whether...or not" استفاده می‌شود. در گزینه‌ی «۴» دقت کنید که "or not" باید آخر جمله قرار گیرد.

۱۰۹-

(مسعود غایی)

نکته: با توجه به ساختار "... + مصدر + enough + صفت + ..." گزینه‌ی «۲» صحیح است.

۱۱۰-

(یوار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «همان‌طور که می‌دانید، در سالیان اخیر او دفعات کم‌تری در ملاء عام ظاهر شده است.»
نکته: برای توصیف فعل "has appeared" نیاز به قید داریم.

۱۱۱-

(مسعود غایی)

ترجمه‌ی جمله: «قبل از این‌که به کوهنوردی بروید، شما باید خودتان را با چیزهایی مانند پوتین‌ها و طناب‌ها مجهز کنید.»

(۱) شامل شدن، درگیر کردن (۲) جایگزین کردن

(۳) نیاز داشتن (۴) مجهز کردن

۱۱۲-

(مربیان شیفی)

ترجمه‌ی جمله: «بتی چون بیست سالش بود، نتوانست برای مسابقه‌ی نوجوان شایسته‌ی آمریکا واجد شرایط باشد.»

- (۱) بیان کردن
(۲) واجد شرایط بودن، صلاحیت داشتن
(۳) پیشنهاد کردن
(۴) رفتن، رهسپار شدن

۱۱۳-

(مسعود پیرپراقی)

ترجمه‌ی جمله: «زن عصبانی از آن جایی که به معطل شدن عادت نداشت، از مغازه بیرون رفت.»

- (۱) راحت، آسوده
(۲) خاص، ویژه
(۳) ناآشنا، عادت نداشتن (به چیزی)
(۴) ناآشنا، غریب

۱۱۴-

(پوار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «تصمیم ساختن یک مدرسه در بلکبری تاون شیپ خودسرانه و بدون توجه به الگوهای خانه‌سازی آینده بود.»

- (۱) گمراه کننده
(۲) کافی
(۳) آگاه، هشیار
(۴) خودسرانه، الکی، دل به‌خواه

۱۱۵-

(مربیان شیفی)

ترجمه‌ی جمله: «احتمال برنده شدنم در انتخابات به قدری کم بود که تصمیم گرفتم پیش از شمارش آرا انصراف بدهم.»

- (۱) مضطرب
(۲) خاطر جمع
(۳) محتمل
(۴) اندک (شانس)، دلگیر

۱۱۶-

(مسعود غایی)

ترجمه‌ی جمله: «بسیاری از جهانگردان انواع دوربین‌های گوناگون با خود دارند تا آن‌چه را در سفرهایشان دیده‌اند ثبت کنند.»

- (۱) ضبط، ثبت
(۲) بینایی
(۳) ذهن
(۴) حافظه

۱۱۷-

(پوار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «دانشمندان عملاً نمی‌توانند انرژی حاصل از جریان‌های اقیانوسی عمیق را تا جایی که به آن نیاز است، یعنی روی زمین، بیاورند.»

- (۱) با ظرافت
(۲) عملاً
(۳) به طرز عجیب
(۴) بی‌ادبانه

۱۱۸-

(مسعود پیرپراقی)

ترجمه‌ی جمله: «دید قوی کیت کارسون از او در برابر مخاطرات جنگل مراقبت کرد.»

- (۱) مخاطره، خطر
(۲) معیار، هنجار
(۳) رتبه
(۴) زیاده‌روی، اضافه

۱۱۹-

(علیرضا یوسف‌زاده)

ترجمه‌ی جمله: «تعداد کارگران بیکار بین دو تا سه میلیون در نوسان است.»

- (۱) ظاهر شدن
(۲) تنظیم کردن
(۳) نوسان کردن
(۴) توزیع کردن

۱۲۰-

(پوار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «ما به تازگی تأییدیه‌ی پیش‌گزینش پرواز شما به لس‌آنجلس را دریافت کرده‌ایم.»

- (۱) رسم، هنجار
(۲) مقایسه
(۳) پیچیدگی
(۴) تأییدیه

۱۲۱-

(علیرضا یوسف‌زاده)

ترجمه‌ی جمله: «پزشک دارویی را برای بیمار تجویز کرد تا به او کمک کند که بتواند در طول شب بهتر بخوابد.»

- (۱) تجویز کردن
(۲) جراحی کردن
(۳) شروع کردن
(۴) تهدید کردن

۱۲۲-

(پوار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «غفلت او باعث شد که او همه‌ی کاری را که روی کامپیوتر انجام داده بود، از دست بدهد.»

- (۱) بررسی
(۲) غفلت
(۳) ترغیب
(۴) علاقه

۱۲۳-

(بوزار صارتقیان/فرز)

ترجمه‌ی جمله: «یکی از نهبانان داشت با رادیوآش ور می‌رفت، (و) در تمام مدت هشیار آن پنج زندانی را زیر نظر داشت.»

- (۱) سرنوشت‌ساز، مهلک
(۲) عظیم، شگرف
(۳) درب و داغون، قراضه
(۴) هشیار، محتناط

۱۲۸-

(مسعود پیربراقی)

نکته: در جملات وصفی کوتاه شده در وجه معلوم، ضمیر موصولی حذف می‌شود و فعل به صورت "ing" دار به کار می‌رود. "have/has" با افعال کمکی منفی می‌شود. حرف اضافه‌ی مناسب "result" به معنی "ناشی شدن"، "from" است.

۱۲۴-

(بوزار صارتقیان/فرز)

ترجمه‌ی جمله: «وقتی تام با برادرش (در خانه‌ی جدید) ساکن شد، اثاث فراوانی برای اتاق جدیدش خرید.»

- (۱) توافق
(۲) اثاث، اسباب
(۳) بخت، سرنوشت
(۴) تعهد

۱۲۹-

(معصومه کشاورز)

ترجمه‌ی جمله: «تقریباً تمام پزشکان قبول دارند که بیماران در صورت (تشخیص) یک بیماری احتمالاً وخیم، بایستی در پی یک تشخیص دوم باشند.»
نکته: بعد از "agree with" اسم یا عبارت اسمی به کار می‌رود. فعل "seek" به معنی «در پی ... بودن» متعدی است و چون مفعول (a second diagnosis) بعد از آن به کار رفته، دارای وجه معلوم است. برای توصیف صفت، قید به کار می‌رود؛ در نتیجه کاربرد صفت "potential" در گزینه‌های «۱» و «۳» نادرست است. در ضمن، کاربرد "in spite of" به معنی «به رغم» در گزینه‌های «۲» و «۴» از لحاظ مفهومی نادرست است.

۱۲۵-

(پواد مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «رفتن جمعیت به عنوان یک واکنش جمعی خود انگیزه شده به رخدادی مشاهده شده توسط جمع تعریف می‌شود.»

- (۱) راحت، آسوده
(۲) عادی، رایج
(۳) خودانگیزه، خودبه‌خود
(۴) موفق، کامیاب

۱۳۰-

(مسعود پیربراقی)

نکته: به عبارت "rather than" به معنی "به جای" توجه کنید. جمله‌ی پیرو بعد از "because" موصولی نیست در نتیجه کاربرد فعل "bring" در وجه وصفی نادرست است (گزینه‌های «۲» و «۴»). کاربرد ضمیر موصولی "which" در گزینه‌ی «۳» نادرست است.

۱۲۶-

(مسعود پیربراقی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: در صورت به کار بردن ضمیر موصولی "which"، حرف اضافه‌ی همراه فعل نیز باید با آن به کار رود. به ربط‌دهنده‌ی دوتایی "not only...but (also)" توجه کنید.

گزینه‌ی «۲»: حرف اضافه‌ی فعل (در این جا "in") باید بعد از فعل به کار رود.

گزینه‌ی «۴»: به ربط‌دهنده‌ی دوتایی "not only...but (also)" توجه کنید.

۱۲۷-

(معصومه کشاورز)

ترجمه‌ی جمله: «هر پیشرفتی در (زمینه‌ی) تکنیک میکروسکوپی، چشم اندازه‌ی جدیدی را در رابطه با عملکرد ارگانسیم‌های زنده و ماهیت خود ماده در اختیار دانشمندان قرار داده است.»

نکته: با توجه به مفهوم و ساختار جمله، گزینه‌ی «۱» صحیح است. در ضمن، در گزینه‌های «۲» و «۴» فعل و فاعل از لحاظ تعداد با یکدیگر تطابق ندارند.

A: حسابدار جدید، آنا ونگ، را دیده‌ای؟

B: آره دیروز دیدمش. بسیار ماهر و مسلط به نظر می‌رسد. به گمانم انتخاب خوبی است.

A: موافقم. آدم قبلی، اندی، خوب بود اما دوست داشت وراجی کند. فکر نکنم خیلی به کارش می‌رسید.

B: فکر کنم اندی با پارتی بازی به این شغل رسید. باجناقش رییس است.

A: شنیدم به خاطر رشوه گرفتن از یکی از مشتری‌هایمان اخراج شد. درست‌ه؟

<p>(مربان شیفی)</p> <p>۱۳۷-</p> <p>(۱) نظراً تخمین زدن</p> <p>(۲) رسیدگی کردن</p> <p>(۳) تحویل دادن</p> <p>(۴) مطرح کردن</p> <p>-----</p> <p>(مربان شیفی)</p> <p>۱۳۸-</p> <p>(۱) جا زدن، عقب‌نشینی کردن</p> <p>(۲) حل کردن، به نتیجه رسیدن</p> <p>(۳) معطل کردن، تاب آوردن</p> <p>(۴) پوشاندن</p> <p>-----</p> <p>A: امیدوارم فروش محصول جدید برایمان سودآور باشد.</p> <p>B: من هم همین‌طور. می‌دانم که معمول است که یک شرکت نوپا در ابتدای کار زیر قرض برود، اما وقتی به اهداف فروشمان برسیم حال بهتری پیدا می‌کنم.</p> <p>-----</p> <p>(مربان شیفی)</p> <p>۱۳۹-</p> <p>(۱) مسئول</p> <p>(۲) سودآور</p> <p>(۳) گرفتار</p> <p>(۴) غیرممکن، بعید</p> <p>-----</p> <p>(مربان شیفی)</p> <p>۱۴۰-</p> <p>(۱) به وقتش</p> <p>(۲) علی‌رغم مشکلات، برخلاف انتظار</p> <p>(۳) در آغاز، در ابتدای کار</p> <p>(۴) در یک چشم بر هم زدن</p> <p>-----</p> <p>(بهرام دستگیری)</p> <p>۱۴۱-</p> <p>نکته: حرف اضافی مناسب این عبارت "at" است.</p>	<p>B: من مطمئن نیستم اما این‌طور شنیدم. فرد جدید، آنا، به نظر خیلی محافظه‌کار می‌آید. طبق مقررات رفتار می‌کند.</p> <p>A: تازه خیلی هم هشیار و حواس جمع است. ازش خواستم در برآورد هزینه‌ای به من کمک کند. فقط با یک نگاه تخمین زد و همان لحظه توانست به من عددی را بدهد. وقتی برگشتم تا دوباره ارقام را محاسبه کنم همه‌اش درست درآمد.</p> <p>-----</p> <p>(مربان شیفی)</p> <p>۱۳۱-</p> <p>(۱) سر به هوا، شلخته</p> <p>(۲) ماهر و مسلط</p> <p>(۳) مقلد، آدم تقلیدگر</p> <p>(۴) دیوانه</p> <p>-----</p> <p>(مربان شیفی)</p> <p>۱۳۲-</p> <p>(۱) به اندازه‌ی درآمد خرج کردن</p> <p>(۲) تمام تلاش خود را کردن</p> <p>(۳) وراجی کردن</p> <p>(۴) رسیدگی کردن به چیزی</p> <p>-----</p> <p>(مربان شیفی)</p> <p>۱۳۳-</p> <p>(۱) مثل آب خوردن بودن</p> <p>(۲) عقب ماندن</p> <p>(۳) دست‌پاچلفتی بودن</p> <p>(۴) پارتی بازی کردن، اعمال نفوذ کردن</p> <p>-----</p> <p>(مربان شیفی)</p> <p>۱۳۴-</p> <p>(۱) رشوه</p> <p>(۲) مورد، مناسبت</p> <p>(۳) حساب، گزارش</p> <p>(۴) اندازه، اقدام</p> <p>-----</p> <p>(مربان شیفی)</p> <p>۱۳۵-</p> <p>(۱) طبق مقررات رفتار کردن</p> <p>(۲) اختیار از دست دادن، جوگیر شدن</p> <p>(۳) دادن ناگهانی خبر</p> <p>(۴) تا آخر دوام آوردن</p> <p>-----</p> <p>(مربان شیفی)</p> <p>۱۳۶-</p> <p>(۱) از کار افتاده، خراب</p> <p>(۲) آزاد، خلاص از گرفتاری</p> <p>(۳) از عمد</p> <p>(۴) هشیار و حواس جمع</p>
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

<p>۱۵۰- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>(۱) انفجار (۲) هوشیاری</p> <p>(۳) آسایش، راحتی (۴) وقار، متانت</p> <p>-----</p> <p>۱۵۱- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>(۱) وظیفه (۲) نقش</p> <p>(۳) نیاز (۴) سرنوشت</p> <p>-----</p> <p>۱۵۲- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>(۱) چاره، گزینه (۲) حاشیه</p> <p>(۳) کار، تأثیر، عمل (۴) درخواست، خواهش</p> <p>-----</p> <p>۱۵۳- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>(۱) جایگزین ... شدن (۲) رقابت کردن</p> <p>(۳) افول کردن (۴) گسترش دادن</p> <p>-----</p> <p>۱۵۴- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>نکته: برای رساندن هدف و منظور فعل به صورت مصدر با "to" به کار می‌رود.</p> <p>"relate to" به معنی «رابطه داشتن با» است.</p> <p>-----</p> <p>۱۵۵- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>(۱) به دام انداختن (۲) هدایت کردن</p> <p>(۳) عادت دادن (۴) انجامیدن به (با حرف اضافه‌ی "in")</p>	<p>۱۴۲- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>(۱) به‌طور مشابه (۲) افزون بر این</p> <p>(۳) سپس (۴) وگرنه</p> <p>-----</p> <p>۱۴۳- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>نکته: "put on" به معنی «پوشیدن» است.</p> <p>-----</p> <p>۱۴۴- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>(۱) الهام بخشیدن (به) (۲) بلعیدن، فرو بردن</p> <p>(۳) بردن، منتقل کردن (۴) هدف قرار دادن</p> <p>-----</p> <p>۱۴۵- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>(۱) گرفتن (۲) انجام دادن</p> <p>(۳) گرفتن (۴) برقرار کردن</p> <p>نکته: به عبارت "hold conversation" به معنی «گفتگو کردن، ارتباط کلامی برقرار کردن» توجه کنید.</p> <p>-----</p> <p>۱۴۶- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>(۱) اگرچه (۲) در عوض</p> <p>(۳) مخالف، مغایر (۴) درحالی‌که</p> <p>-----</p> <p>۱۴۷- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>(۱) وادار کردن (۲) ضربه زدن</p> <p>(۳) تعمیر کردن (۴) فشار دادن</p> <p>-----</p> <p>۱۴۸- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>نکته: به ساختار "اسم + (صفت) + (a/an) + such" توجه کنید. "so" با اسم به کار نمی‌رود. "enough" با مصدر با "to" به کار می‌رود.</p> <p>-----</p> <p>۱۴۹- (بهرام) (سنگیری)</p> <p>(۱) همصحبت، همراه (۲) معامله، تبادل</p> <p>(۳) پیوند (۴) جزء، بخش سازنده</p>
-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

معنای کلماتی از متن:

forage: ساختن، از کار در آوردن	context: متن، زمینه، شرایط
undertake: پذیرفتن، تعهد کردن	incorporate: درآمیختن
proceed: ادامه دادن	compound: ترکیب
trail: رد، اثر	suffice: کافی بودن
intermittently: متناوباً	evaporate: تبخیر کردن
stinger: نیش، گزنده	furnish: فراهم کردن
diverse: گوناگون	oscillate: نوسان کردن

۱۵۶-

(نسرین فلفی)

ترجمه‌ی جمله: «متن عمدتاً در چه موردی بحث می‌کند؟»
«مورچه‌ها چگونه یک رد شیمیایی را نشانه‌گذاری و دنبال می‌کنند»

۱۵۷-

(نسرین فلفی)

ترجمه‌ی جمله: «کلمه‌ی "intermittently" در خط ۳ نزدیک‌ترین معنی را به "periodically" (گاه به گاه) دارد.»

۱۵۸-

(نسرین فلفی)

ترجمه‌ی جمله: «عبارت "the one" در خط ۷ به یک پیام (message) واحد اشاره دارد.»

۱۵۹-

(نسرین فلفی)

ترجمه‌ی جمله: «طبق متن، چرا مورچه‌ها از ترکیبات مختلف به‌عنوان فرمون‌های ردیابی استفاده می‌کنند؟»
«برای محافظت کردن از ردشان در برابر گونه‌های جانوری دیگر»

۱۶۰-

(نسرین فلفی)

ترجمه‌ی جمله: «طبق متن، مورچه‌ها چگونه از طریق فرمون‌های ردیابی هدایت می‌شوند؟»
«از طریق شاخک‌هایشان متوجهی (آن) گاز می‌شوند.»

معنای کلماتی از متن:

چسبیدن، وفادار ماندن	adhere:	آرام، راکد	tranquil:
اصل، معیار، سنجه	canon:	برانگیختن، ایجاد کردن	provoke:
برداشت، درک	preconception:	گیج‌کننده، خجالت‌آور	disconcerting:
سرنگون کردن، برانداختن	overthrow:	پنداشت، تصور	assumption:
دستور دادن، رده بندی کردن	ordain:	خودمحوری	egocentricity:
پیش رانشی:	impulsive:	تبدیل، تغییر مذهب	conversion:
پرجزئیات، پیچیده	elaborate:	بازگو کردن، روایت کردن	recount:
اعلامیه، ادعای نامه	assertion:	اوج	culmination:
نپذیرفتن، پست شمردن	scorn:	جزمی، خشک اندیشانه	dogmatic:

۱۶۱-

(یووار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «کدام یک از موارد زیر دیدگاه نویسنده را نسبت به تولستوی به بهترین شکل مشخص می‌کند؟»
«او صداقت قلبی وی (تولستوی) را ستایش می‌کند.»

۱۶۲-

(یووار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «کدام یک از موارد زیر گفته‌ی فلوربر را که در خطوط اول نقل شده، به بهترین شکل تعبیر می‌کند؟»
«آثار بزرگ هنری خودشان را برای ما، بیش‌تر از اشیاء طبیعی، توضیح نمی‌دهند.»

۱۶۳-

(یووار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «نویسنده از بیلی نقل قول می‌کند تا نشان دهد که اگر چه تولستوی زندگی را مشاهده و تفسیر می‌کند، از تجربه‌اش هیچ فاصله‌ی خود - آگاهانه‌ای نمی‌گیرد.»

۱۶۴-

(یووار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «نویسنده بیان می‌کند که تغییر و تحول تولستوی نتیجه‌ی طبیعی اعتقادات پیشین او را نشان می‌دهد.»

۱۶۵-

(یووار مؤمنی)

ترجمه‌ی جمله: «طبق متن، پاسخ تولستوی به ارزش‌های هنری و روشنفکرانه‌ی مقبول در روزگار خودش این بود که آن‌ها را واژگون کند تا به تجربه‌ی خودش وفادار باشد.»

معنای کلماتی از متن:

نامشهود	inconspicuous:	همسان	identical:
سیارک	asteroid:	استارسر	coma:
پوسته	crust:	هسته	nucleus:
در مدار گردیدن	orbit:	احاطه کردن	surround:
		منظره، چشم انداز	spectacle:

۱۶۶-

(مسعود پیربراقی)

ترجمه‌ی جمله: «تمرکز متن بر ستاره‌های دنباله‌دار عمدتاً بر حسب "دنباله‌ها و استارسر (گاز دور هسته‌ی ستاره‌ی دنباله‌دار)" شان است.»

۱۶۷-

(مسعود پیربراقی)

ترجمه‌ی جمله: «کلمه‌ی "identical" در خط ۱ نزدیک‌ترین معنی را به "exactly alike" (دقیقاً مشابه) دارد.»

۱۶۸-

(مسعود پیربراقی)

ترجمه‌ی جمله: «از متن می‌توان این‌طور برداشت کرد که هسته‌ی یک ستاره‌ی دنباله‌دار از یخ و غبار تشکیل شده است.»

۱۶۹-

(مسعود پیربراقی)

ترجمه‌ی جمله: «تمام گزاره‌های زیر درباره‌ی دم‌های ستاره‌های دنباله‌دار درست است به جز:»
«آن‌ها قبل از بسط استارسر تشکیل می‌شوند.»

۱۷۰-

(مسعود پیربراقی)

ترجمه‌ی جمله: «در مقایسه با دم‌های الکتروسیسته‌دار، دم ذرات غبار خنثی نسبتاً خمیده است.»